

فاطمه معصومه(س)

<?xml encoding="UTF-8">

فاطمه معصومه(س)

نویسنده:عابدي میانجي، محمد

فاطمه معصومه(س) ، در اوّلین روز ذیقعه سال 173 (ه.ق) به فاصله 25 سال از تولد برادرش امام رضا(ع) در شهر مدینه چشم به جهان گشود.1

مادرش نجمه، چنان شخصیت کمال یافته‌ای داشت که حمیده خاتون (مادر امام کاظم«ع») درباره‌اش می‌فرمود: «هرگز بهتر از او ندیده‌ام.»2

این مولود پاک در دهمین بهار از عمر خود با شهادت پدر بزرگوارش حضرت امام کاظم(ع) در زندان هارون رو به رو شد و از آن پس مانند دیگر اعضای خاندان موسوی تحت هدایت و سرپرستی امام رضا(ع) قرار گرفت، تا آنکه این امام بزرگوار در پی توطئه مأمون ناچار شد راهی خراسان شود و در روز پنجم یا ششم رمضان 200 (ه.ق) عنوان ولایتعهدی تحمیلی را بپذیرد.

یک سال بعد از این رویداد بود که فاطمه معصومه(س) به قصد دیدار برادر راهی خراسان شد.3 البته تعدادی از برادران حضرت معصومه(س) (فضل، جعفر، هادی، قاسم، زید) و تعدادی از برادرزاده‌ها و... نیز با وی همسفر شدند. این بانوی گرانقدر در ساوه مریض یا مسموم4 شد و به توصیه خود، در 23 ربیع الاول سال 201 (ه.ق) به شهر قم منتقل گردید.5 فاطمه معصومه(س) مدت 17 روز در خانه «موسی بن خزرج» ماند و تمام این مدت را به عبادت گذراند و سرانجام در دهم ربیع الثانی 201 (ه.ق) از این سرای فانی به خانه باقی رحلت کرد.6 پیکر مطهر حضرت معصومه(س) توسط امام هشتم و نهم در قم به خاک سپرده شد.7

فاطمه معصومه(س) هرچند عمری کوتاه داشت، اما در همین دوره مختصر توانست به مقامات عالی در علم و معنویت دست یابد، چنان که با عناوینی چون معصومه،8 کریمه،9 عالمه،10 محدّثه، طاهره، برّه، تقیّه، عابده، مقدمه (پیشگام)، رضیّه، سیّده، حمیده، رشیده، نقیه، مرضیه، صدیقه و...11 شناخته می‌شود.

اما یکی دیگر از این مراتب کمال که حضرت بدان دست یافت و موضوع این مقاله است، مقام و مرتبه «شفاعت»12 است که آن بانوی گرانقدر خاندان موسوی، بر اثر عبادات و تهذیب نفس به آن دست یافت. حجم زیادی از روایات پیرامون شخصیت حضرت فاطمه معصومه(س) به موضوع «شفیعه» بودن حضرت مربوط می‌شود. لذا شایسته است قبل از بیان این روایات، به موضوع شفاعت و مبانی (عقلی، قرآنی، روایی) آن اشاره شود.

شفاعت چیست؟

«راغب اصفهانی» در معنای لغوی آن می‌نویسد: «شفیع ضمیمه شدن چیزی به مانند خود است»13 در اصطلاح و عرف نیز به معنای واسطه شدن افرادی است که نزد خداوند موقعیت خاصی دارند و خداوند به خاطر این موقعیت تقاضای آنان را می‌پذیرد. بنابراین، حقیقت شفاعت این است که استعداد ناقص و ناتوانی شخص، با قدرت و توان شفیع ضمیمه می‌شود و شخص را به مقامی می‌رساند و یا از ناراحتی و مشکلی می‌رهاند. پس در

شفاعت سه عنصر اصلي «تقاضاكننده»، «واسطه»، «برآورنده نياز» وجود دارد.

شفاعت چنان اعتباري دارد كه بعضي روايات، منكر آن را از محدوده شيعيان خارج دانسته‌اند. امام صادق(ع) مي‌فرمود: «من انكر ثلاثة اشياء فليس من شيعتنا؛ المعراج والمُساللة في القبر والشفاعة.»¹⁴ كسي كه سه چيز را انكار كند، از شيعيان ما نيست؛ معراج و سؤال در قبر و شفاعت. مباني قرآني و روايي شفاعت

1- قرآن كريم:

در حدود سي آيه در قرآن وارد شده است كه نتيجه آن‌ها وجود شفاعت، به اجازه و اذن خداوند است. مانند: «يومئذ لاينفع الشفاعة الاّ من اذن له الرحمن»¹⁵ در آن روز شفاعت كسي سود نمي‌رساند مگر آن كه خدا به او اذن داده باشد.

«ما من شفيع الا من بعد اذنه»¹⁶ شفيعي نيست مگر بعد از اذن خدا. البته تمام آيات، مربوط به شفاعت در قيامت مي‌باشند كه با توجه به آيات و روايات ديگر قابل تعميم به دنيا و برزخ نيز مي‌باشد.¹⁷

2- روايات

روايات فراواني در اين باره وارد شده است كه نمونه‌اي از آن به نقل از امام صادق(ع) ذكر شد.

شفاعت پرتوي از رحمت الهي

1- دلايل و قرآين متقن، دلالت بر اصالت رحمت الهي در مقابل غضب او دارد. «يا من سبقت رحمته غضبه». آري اصل، سعادت انسان و پاكي و طهارت اوست و گناه و فساد و... عارضي‌اند و هميشه آنچه عارضي است، به وسيله «رحمت الهي» تا حد مقدور برطرف مي‌شود. امدادهاي غيبي، تأييدات رحماني و... از شواهد اين غليه هستند.

2- يكي از شواهد اين رحمت، موضوع «مغفرت» است كه براساس آن دل‌ها و روان‌ها طاهر و از گناه عاري مي‌شود. البته جايي كه دل به دليل گناهاني، چون عين نجس شود (مثل شرك) ديگر طهارت براي آن معنا نخواهد داشت. لذا در فرهنگ قرآن با عبارات: «ختم الله علي قلوبهم» مهر الهي بر دل‌هايشان زده شده، از آنان نام برده شده است.

3- مغفرت خداوند مانند هر فعل ديگر قانون‌مند است. اين رحمت از طريق مجاري معين شده است مثل نفوس كامله، ارواح پيامبران و اوليا به مردم مي‌رسد.

4- اين مجاري طاهره، همان «شفيع»‌ها هستند كه با واسطه شدن بين اشخاص و خداوند از وي مي‌خواهند آثار گناهان را محو سازد و يا به آنان مقاماتي عطا كند.¹⁸

شفاعت كنندگان

همان گونه كه گفتيم واسطه و مجري فيض شدن، قابليت‌هايي را مي‌طلبد كه در برخي افراد وجود دارد. قرآن و روايات، برخي از اين افراد را معرفي مي‌كنند:

1- پيامبر اكرم : «و من الليل فتهجد به نافلة لك عسي ان يبعثك ربك مقاما محمودا»¹⁹ كه به اتفاق مفسران منظور از مقام محمود همان شفاعت است.²⁰

2- امامان : قال الصادق(ع): «اذا كان يوم القيامة نشفع من المذنب من شيعتنا فأما المحسنون فقد نجاهم الله» 21 وقتي روز قیامت شد، از گناهکاران شیعیان مان شفاعت خواهیم کرد، اما نیکوکاران را خدا نجات می‌دهد.

3- اهل بیت (ع): قال رسول الله(ص): «... يشفع اهل بيتي فيشفعون...» 22

4- پیامبران: «قال اراغب انت عن آلهتي يا ابراهيم لئن لم تنته لارجمك واهجرني مليا قال سلام عليك ساستغفر لك ربّي انه كان بي حفيّا» 23.

گفت: ای ابراهیم آیا از خدایانم روی می‌گردانی؟ اگر از رفتار خود دست برداری، سنگسارت خواهم کرد، و از من برای روزگار درازی دور شو. ابراهیم گفت: سلام بر تو زود است که برایت از پروردگارم آمرزش بخواهم، او نسبت به من مهربان است.

5 - قرآن کریم: علي(ع): «اعلموا انه (قرآن) شافع مشفع و قائل مصدق و انه من شفّع له القرآن يوم القيمة شفّع فيه» 24 بدانید قرآن شفاعت کننده است و شفاعت او پذیرفته می‌شود و گوینده است و گفتارش تصدیق می‌شود و هر کسی قرآن برای وی، روز قیامت شفاعت کند، شفاعت قرآن درباره‌اش پذیرفته خواهد شد.

6- اعمال: پیرامون شفاعت اعمال سه دیدگاه وجود دارد؛ اعمال صالح به مقتضای اصل انعکاس اعمال در روحيات انسان، يك زمینه رحي براي نزول رحمت خداوند، پديد می‌آورند و مغفرت خداوند که يك بخش از رحمت اوست، شامل شخص می‌شود.

؛ اطاعت انسان واسطه‌ای می‌شود تا خداوند او را به مقامات والا برساند.

؛ اعمال صالح برای خود حقیقتی خاص دارند و تجسم پیدا می‌کنند و حیات و شعور مخصوص به خود دارند از جمله آن‌ها این است که برای صاحب خود از خدا طلب بخشش و از بین بردن آثار گناهان را می‌کنند. بر این اساس امام علي(ع) می‌فرماید: «فاجعلوا طاعة الله... شفیعا لدرك طلبکم» 25 اطاعت خدا را برای رسیدن به خواسته‌های خود شفیع قرار دهید.

«الصيام والقرآن، يشفعان العبد يوم القيامة يقول الصيام اي رب منعتك الطعام والشهوات للعبد بالنهار فشفعن فيه و يقول القرآن منعتك النوم بالليل فشفعني فيه...» 26

روزه و قرآن برای کسی که روزه گرفته و شب‌ها قرآن تلاوت کرده‌اند، شفاعت می‌کند. روزه می‌گوید: پروردگارا! من این شخص را از خوردن غذا و انجام شهوات در روز منع کردم، پس شفاعت مرا درباره‌اش بپذیر. قرآن می‌گوید: من این شخص را از خواب شب باز داشتم، پس شفاعت مرا درباره‌اش بپذیر. پس شفاعت هر دو درباره صاحبانش پذیرفته می‌شود.

7 - فرشتگان. 27

8 - دوستان اهل بیت: علي(ع): «لنا شفاعة و لاهل مودتنا شفاعة» 28 برای ما شفاعتی است و برای اهل مودّت و دوستی ما هم شفاعتی است.

9- مؤمنان: «شيعتنا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و يحجون البيت الحرام و يصومون شهر رمضان و يوالون اهل البيت و يتبرّون عن اعدائهم... و ان أحدهم ليشفع في مثل ربیعة و مضر فيشفعهم الله فيهم لكرامة علي الله عزّوجل» 29 شیعیان ما آن‌ها هستند که نماز می‌خوانند، زکات می‌دهند و حج خانه خدا را به جا می‌آورند و ماه رمضان روزه می‌گیرند و با اهل بیت رسالت دوستی کرده و از دشمنانشان بی‌زاری می‌جویند یکی از آنان برای جمعیتی به عدد جمعیت دو قبیله ربیعه و مضر (بزرگ‌ترین قبیله‌ها) شفاعت می‌کند و خداوند شفاعت او را می‌پذیرد، چون نزد خدا گرامی است.

گفتیم در شفاعت، شخص تقاضا کننده، شخص دیگر را واسطه قرار می‌دهد تا از خداوند نیاز وی را بخواهد. بنابراین، اولین شرط، همان اعتقاد به شفاعت خواهد بود، لذا پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من لم يؤمن بشفاعتي فلا أنا له شفاعة»³⁰ آن که به شفاعت من ایمان نداشته باشد، شفاعت من به او نمی‌رسد. بعد از این اصل کلی، در روایات به صورت موردی اشخاصی از شفاعت محروم شده‌اند مانند: کافر؛³¹ مشرک؛³² ستمگر؛³³ دشمن اهل بیت؛³⁴ آزار رسان به ذریه رسول خدا؛³⁵ پرداخت نکردن مهر؛³⁶ فروشنده فرد آزاد؛³⁷ کسی که نماز را کوچک بشمارد؛³⁸ فریبکار و خیانت‌کار؛³⁹ زناکار؛⁴⁰ ... در یک نگاه مجدد متوجه می‌شویم، در مورد حق الناس، شفاعت وجود ندارد. همین طور درباره گناهان اعتقادی مخصوص، مانند شرک؛ کفر و... در مورد حق الناس، اگر شخصی آن را بپردازد و تنها، گناه نافرمانی برگردنش بماند، باز استحقاق شفاعت را خواهد یافت. پس، این روایات، متجاوزان به حقوق مردم را از جهت «حق مردم» از دایره شفاعت، بیرون برده است. در مورد شرک و کفر نیز مسلم است که اصل اعتقاد به شفاعت جای تأمل دارد. البته برخی گناهان نیز از دایره شفاعت بیرون هستند که دلایل آن نامعلوم است و این دسته از روایات این خاصیت را دارند که درباره خارج بودن گناهان مورد اشاره، از دایره شفاعت، احتمالی ایجاد می‌کنند و در نتیجه حد و مرزهای شفاعت به صورت اثباتی و نفی از حالت قطعی بودن، بیرون می‌آید و مردم در حالتی بین خوف و رجا می‌مانند.⁴¹

شفاعت حضرت معصومه (س)

با توجه به مباحث گذشته و اثبات اصل شفاعت، توضیح مبانی و گستره شفاعت و... به نظر می‌رسد موضوع شفاعت حضرت فاطمه معصومه (س) از سه جنبه قابل طرح و اثبات باشد:

- 1- در روایات به مقام شفاعت اهل بیت (ع) تأکید شده است و بدیهی است حضرت فاطمه معصومه (س) که خواهر امام رضا (ع) (از طرف پدر و مادر) می‌باشد، جزو این خاندان است پس مقام شفاعت وی قابل انکار یا تردید نخواهد بود.
- 2- روایاتی پیرامون شفاعت مؤمنان نیز خواندیم و چه مصداقی برای مؤمن و مؤمنه می‌توان شایسته‌تر از بانوان اهل بیت، مثل فاطمه معصومه (س) برشمرد.
- «لا يزال المؤمن يشفع حتي يشفع في جيرانه و خلطائه و معارفه»⁴² مؤمن پیوسته شفاعت می‌کند، حتی درباره همسایگان و معاشران و آشنایانش.
- 3- سومین جنبه، مربوط به روایاتی است که در خصوص حضرت فاطمه معصومه (س) از اهل بیت (ع) نقل شده است، و البته خود این روایات چند دسته‌اند:

الف : تصریح به مقام شفاعت:

در برخی از روایات وارده، به شفیع بودن آن حضرت، تصریح شده است، مانند روایات زیر:

امام رضا (ع) به «سعد اشعري» فرمود: ای سعد چون به نزد آن حضرت (قبر فاطمه معصومه «س») رفتی رو به قبله بایست؛ سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه سبحان الله، سی و سه مرتبه الحمد لله بگو، آن گاه

بگو...»

«اتقرب الي الله بحبكم والبرائة من أعدائكم والتسليم الي الله... يا فاطمة اشفعي لي في الجنة فان لك عند الله شأنًا من الشأن.»⁴³

در این زیارت نامه که امام رضا(ع) به سعد توصیه می‌کند ابتدا با شفاعت خواستن عملی زائر رو به رو هستیم. زائر با استفاده از ابراز دوست داشتن اهل بیت و دشمنی با دشمنان آن‌ها و تسلیم به خدا، خود را با آنان هم‌رنگ و همراه می‌سازد و همگام نشان می‌دهد و بعد اعلام می‌کند به وسیله این اعمال نسبت به شما، می‌خواهم به خدا نزدیک شوم.

آنگاه به طور ویژه از فاطمه معصومه(س) نزد خدا شفاعت می‌خواهد و در مرحله سوم دلیل این که این بانو را برای شفاعت برگزیده بیان می‌دارد: «فان لك عند الله شأنًا من الشأن». زیرا تو نزد خدا منزلت والایی داری. 2- امام صادق(ع) فرمود: «ألا ان لله تعالي حرما و هو مكة، الا ان لرسول الله حرما و هو المدينة؛ ألا ان لامير المؤمنين حرما و هو الكوفة؛ ألا ان حرمي و حرم ولدي بعدي قم؛ الا ان قم كوفتنا الصغيرة، ألا ان للجنة ثمانية أبواب، ثلاث منها الي قم، تقبض فيها امرأة هي من ولدي و اسمها فاطمة بنت موسي بن جعفر، تدخل بشفاعتها شيعتنا الجنة باجمعهم.»⁴⁴

بدانید که برای خداوند متعال حرمی است و آن مکه است، بدانید برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است، بدانید امیرمؤمنان حرمی دارد که کوفه است؛ بدانید حرم من و حرم فرزندان بعد من قم است. بدانید قم کوفه کوچک ما است؛ بدانید بهشت هشت در دارد که سه در آن به سوی قم است بانویی از فرزندانم که اسمش فاطمه دختر موسی بن جعفر است در آن وفات می‌یابد به وسیله شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می‌شوند.

گروه دوم یا مؤید این مقام، مربوط به روایاتی است که بهشت را در مقابل زیارت فاطمه معصومه(س) معین کرده‌اند مانند این روایات: شیخ صدوق با سند صحیح از امام رضا(ع) نقل کرده است که: «من زارها فله الجنة»⁴⁵ هر کس او را زیارت کند، بهشت برای اوست.

محمد بن قولویه در کامل الزیارات از امام جواد(ع) نقل کرد: «من زار عمّتي بقم فله الجنة»⁴⁶ هر کسی عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت برای اوست.

علامه مجلسی از امام رضا(ع) نقل می‌کند: «من زارها عارفا بحقها فله الجنة»⁴⁷ هر کس زیارت کند او را در حالی که عارف به حق او باشد، پس بهشت برای اوست. گستره شفاعت :

به طور قطع، میزان کمال نفس و عزّت هر شخص نزد خداوند، در گستره مقام شفاعت وی دخیل است. از این رو می‌بینیم، برخی تنها برای خانواده خود، عده‌ای برای تعدادی معدود، گروهی برای شیعیان و در نهایت رسول اکرم شفیع برای همه است. درباره مؤمنان خواندیم که: «لايزال المؤمن يشفع حتي يشفع في جيرانه و خلطائه و معارفه»⁴⁸ مؤمن پیوسته شفاعت می‌کند تا آن که حتی درباره همسایگان و معاشران و آشنایانش هم شفاعت می‌کند.

درباره پیامبر می‌خوانیم: «اني لارجوا ان اشفع يوم القيامة عدد ما علي الارض من شجرة و مدرة»⁴⁹ من امید دارم که به عدد درختان و کلوخ‌هایی که در روی زمین است، از افراد شفاعت کنم.

نکته جالب این است که در بین بانوان بعد از فاطمه زهرا(س) کسی مانند فاطمه معصومه(س) این مقام را ندارد. 50 مقام حضرت فاطمه معصومه چنان والاست که امام صادق فرمود: «تدخل بشفاعتها شيعتنا الجنة باجمعهم».

نقل يك حكايت

نقل است: روزي «حاج شيخ عباس قمي» (ره) در تیمچه بزرگ قم به مناسبت ایام فاطمیه به منبر رفته بود، گفت: يك شب ميرزاي قمي - صاحب قوانین - را در عالم رؤيا دیدم، پرسیدم: آیا شفاعت اهل قم به دست حضرت معصومه(س) است؟ ميرزاي قمي با قیافه شگفت زده‌اي به من نگاه کرد و فرمود: «شفاعت اهل قم با من است.» شفاعت عالم با حضرت معصومه(س) است. 51 البته همان گونه که پیداست، تأیید و تقویت این گونه مطالب در سایه روایات و نصوص قابل پذیرش است که در این زمینه روایاتی که خواندیم مؤیدی کافی به شمار می‌روند.

شافع يوم معاد

يا رب اين خلد برين يا جنت المأواستي

يا همايون بارگاه بضعه موساستي

اين همايون بانو که در درج شرافت اخ تري است

نسل پاك زاده انسيه حوراستي

فاطمه اخت الرضا سلطان دين روجي فداك

خاك درگاه تو از عرش علا اعلاستي

مرجع اهل زمان و شافع يوم المعاد

خواهر سلطان دين و ثاني زهراستي

(خادم)

پاورقيها:

16 . يونس، آيه. 3

18 . اين استدلال برگرفته از كتاب عدل الهي، ص 245 است. q

19 . اسراء، 79.

14 . بحارالانوار، ج 8، ص. 37

13 . مفردات راغب، ص 263، صاحب تفسير المنار پيرامون معنای اصطلاحی می‌نویسد: شفاعت دعایی است اجابت شده که خداوند اراده اولی خود را بعد از این دعا به مرحله اجرا می‌گذارد تا ارزش شفاعت کننده را اظهار دارد. شفاعت به این معنا نیست که اراده ازلی را بر هم زند یا آن را درباره کسی تغییر دهد. المنار، ج 1، ص. 308

1 . مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 257، وسیلة المعصومية، ص. 65

12 . بحارالانوار، ج 102، ص 266، سفینه البحار، ج 2، ص. 376

25 . برای رسیدن به خواسته‌های خود، خدا را شفیع قرار دهید. نهج البلاغه، خ. 193

28 . خصال صدوق، 624.

27 . زمر، آیه 3، یونس آیه 18، انبیاء آیه 26، زخرف آیه 81، نجم آیه 26.

- 2 . عيون اخبار الرضا، ج1، ص.14
- 29 . شفاعت، جعفر سبحاني، ص334 نقل از مسند احمد، ج5، ص.257
- 26 . مسند احمد، ج2، ص.174
- 22 . مجمع البيان، ج1، ص.104
- 21 . بحارالانوار، ج9، ص.41
- 20 . مجمع البيان، ج4، ص.435
- 22 . مجمع البيان، ج1، ص.104
- 22 . مجمع البيان، ج1، ص.104q
- 37 . همان.
- 36 . وسايل الشيعة، ج15، ص.22
- 34 . محاسن برقي، ص184، ثواب الاعمال، 251.
- 31 . مدثر 48 - 40، شعراء 101 - 95.
- 34 . محاسن برقي، ص184، ثواب الاعمال، 251.
- 35 . امالي صدوق، ص177، مكاتيب الاثمة، ج2، ص.41
- 32 . خصال صدوق، ص355، امالي صدوق ص5؛ سنن ابن ماجه، ج2، ص.1440
- 30 . امالي صدوق، ص.5
- 3 . منتهي الآمال، ج2، ص.273
- 38 . اصول كافي، ج6، ص401 و ج3، ص.270
- 33 . غافر 18، نساء 168 و 169، خصال صدوق ص.355
- 39 . مسند احمد، ج1، ص.72
- 43 . بحارالانوار، ج102، ص.266
- 42 . بحارالانوار، ج8، ص.44
- 49 . مسند احمد حنبل، ج5، ص.347
- 45 . عيون اخبار الرضا، ج2، ص271، ثواب الاعمال، ص.98
- 46 . كامل الزيارات، ص.324
- 4 . الحياة السياسية للامام الرضا، ص.428
- 47 . بحارالانوار، ج102، ص265؛ جامع احاديث الشيعة، ج12، ص.617
- 48 . بحارالانوار، ج8، ص.44
- 41 . شفاعت ، احمد مطهري، غلامرضا كردان، ص.176
- 44 . بحارالانوار، ج60، ص228، جامع احاديث الشيعة، ج12، ص617، اين خبر حدود 45 سال قبل از تولد آن حضرت نقل شده است. آرامگاههاي خاندان پاك پيامبر، ص.314
- 40 . اصول كافي، ج5، ص.469
- 5 . العوالم، ج21، ص.328
- 50 . امالي صدوق 291، بحارالانوار، ج8، ص.51

- 5 . العوالم، ج 21، ص. 328
- 6 . بحارالانوار، ج 48، ص. 290
- 7 . بحارالانوار، ج 48، ص 290، تاريخ قم، ص. 213
- 8 . زادالمعاني، حاشيه، ص 468، ناسخ التواريخ، زندگي امام كاظم ج 13، ص 68.
- انوار المشعشعين، ص 211 - 210، زبدة التصانيف، ص 499، اعلام النساء المؤمنات، ص 577.
- شفاعت احمد مطهري، غلامرضا كردان، مؤسسه در راه حق، ص 180 تا 182.
- طه، آيه 109.
- كريمه اهل بيت، ص 45 - 43.
- همان، ص 171 به نقل از كشف اللثالي.
- منابع:

1. . زادالمعاني، حاشيه، ص 468، ناسخ التواريخ، زندگي امام كاظم ج 13
2. . شفاعت احمد مطهري، غلامرضا كردان، مؤسسه در راه حق